

درباره هم‌نگاره «وقت بوییدن گل» باز آفرینی عکسی ماندگار از رهبر شهید

شهر، دوباره گل را بویید

کتابخانه
ایهام رادمهر

بر دل گذشته ناتوان می‌شود و این هنر است که جای واژه‌ها را می‌گیرد؛ بر دیوارها می‌نشیند، در خیابان‌ها قد می‌کشد و به حافظه جمعی یک سیر زمین شکل می‌دهد.

□ □ □ □

رونمایی از هم‌نگاره «وقت بوییدن گل» بر دیوار سینما سپیده را باید از همین جنس اتفاق‌ها دانست؛ رویدادی که اگر چه در ظاهر تنها پرده‌برداری از یک اثر تجسمی بود، اما در حقیقت، جان‌بخشیدن دوباره به تصویری بود که سال‌ها در سکوت یک آرشيو نفس کشیده بود.

عکس، ساده است؛ آنقدر ساده که شاید از ماندگاری‌اش نیز در همین سادگی باشد، رهبر شهید روی تکه‌ای موکت نشسته است؛ بی‌هیچ تشریفاتی، بی‌هیچ فاصله‌ای. چند شاخه گل محمدی را در دست گرفته و عطرشان را نفس می‌کشد. نه خطابه‌ای در کار است، نه جمعیتی، نه قابی رسمی، فقط انسانی است که لحظه‌ای در برابر زیبایی خلقت مکث کرده است.

اما بعضی تصویرها، سال‌ها بعد معنا پیدا می‌کنند.

شاید اگر منوچهر قلم‌چی آن روز در روستایی از حوالی بوئین‌زهر ا شاتر دوربینش را نمی‌فشرده، این لحظه برای همیشه از حافظه تاریخ جامی می‌ماند. او تنها یک عکس نگرفت؛ بی‌آنکه بداند، لحظه‌ای را برای آینده حفظ کرد؛ لحظه‌ای که امروز، پس از گذشت نزدیک به چهار دهه، دوباره پیش چشم مردم جان گرفته است.

این همان معجزه هنر است؛ اینکه زمان را شکست می‌دهد.

در روزگاری که هر روز هزاران تصویر در تلفن‌های همراه ثبت می‌شوند و همان روز هم فراوش می‌شوند، هنوز یک قاب سیاه‌وسفید می‌تواند هزاران نفر را روبه‌روی یک دیوار متوقف کند. هنوز یک عکس می‌تواند مردم را به سکوت، تأمل و اشک دعوت کند. این یعنی بعضی تصویرها فقط عکس نیستند؛ بخشی از حافظه عاطفی یک ملت‌اند.

هم‌نگاره «وقت بوییدن گل» نیز بیش از آنکه بازآفرینی یک عکس باشد، احیای همین حافظه است. حافظه‌ای که نباید در قفسه آرشيوها محبوس بماند. اگر تاریخ تنها در کتاب‌ها بماند، نسل‌های بعد آن را خواهند خواند؛ اما اگر به زبان هنر روایت شود، آن را زندگی خواهند کرد.

شاید معنا و اثرگذاری این هم‌نگاره، بیش از هر چیز، در زمان رونمایی آن آشکار شد. «وقت بوییدن گل» در دست در روزهای پیش چشم مردم قرار گرفت که ایران در سوگ رهبر شهید خود نشسته بود و این بدرقه باشوهد این‌الله خامنه‌ای، خیابان‌های شهر را به صحنه‌ای از اندوه، دلدادگی و همبستگی ملی تبدیل کرده بود. در چنین فضایی، این اثر بخشی از زبان سوگوازی مردم بود. مردمی که برای وداع آمده بودند، در برابر تصویری ایستادند که نه شکوه قدرت، بلکه لحظه‌ای از سادگی، آرامش و لطافت را به یادشای می‌آورد؛ لحظه‌ای که رهبر، چند شاخه گل محمدی را در دست گرفته و عطر آن را نفس می‌کشد.

شاید اگر این هم‌نگاره در زمانی دیگر رونمایی می‌شد، تنها یک اثر هنری قابل توجه بود؛ اما همزمانی آن با آیین بدرقه، معنایی عمیق‌تر به آن بخشید. گویی تصویر از دل گذشته برخاسته بود تا در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز، به تسلاي حافظه جمعی یک ملت تبدیل‌شود. مردمی که در خیابان‌ها اشک می‌ریختند، این‌بار با تصویری روبه‌رو شدند که

کتاب

«ماه‌وبلوط» تلاشی است برای بازسازی بخشی از حافظه تاریخی ایران که کمتر روایت شده است. محسن مؤمنی شریف با نگاهی انسانی و روایتی پر کشش، کردستان را از حاشیه روایت‌های رسمی به متن ادبیات معاصر ایران آورد است. در ادبیات معاصر ایران، آثار بسیاری درباره انقلاب اسلامی، دفاع‌مقدس و بحران‌های امنیتی سال‌های نخست پس از انقلاب نوشته شده است؛ اما کمتر رمانی توانسته است همزمان سه ساحت «تاریخ»، «هویت قومی» و «استان» را در کنار یکدیگر بنشاند. «ماه و بلوط» نوشته محسن مؤمنی شریف، منتشر شده از سوی انتشارات سوره مهر از همین منظر اثری متفاوت و قابل تأمل است. این رمان بلند، تنها روایت چند شخصیت یا بازخوانی بخشی از تاریخ کردستان نیست؛ بلکه تلاشی برای ترسیم حافظه تاریخی ایرانیان نسبت به یکی از مهم‌ترین و در عین حال کمتر روایت‌شده‌ترین جغرافیه‌ای کشور است؛ سرزمینی که همواره در خط مقدم دفاع از ایران ایستاده اما سهم اندکی در روایت‌های رسمی و ادبی داشته است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «ماه و بلوط»، تغییر زاویه نگاه به کردستان است. در بسیاری از روایت‌های رسانه‌ای، کردستان اغلب با بحران، ناامنی یا دگرگیری‌های سیاسی شناخته شده است؛ در حالی که مؤمنی شریف تلاش می‌کند این تصویر تک‌بعدی را بشکند. او کردستان را نه صرفاً میدان نبرد، بلکه خانه مردمانی معرفی می‌کند که تاریخ، فرهنگ، زبان، آیین و خاطر اشتان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ایران است. در این رمان، کوهستان، بلوط، روستاها، موسیقی، زبان و مناسبات اجتماعی تنها عناصر تزئینی نیستند؛ بلکه شخصیت دارند و در پیشبرد روایت نقش ایفا می‌کنند.

عنوان کتاب نیز همین معنا را متبادر می‌کند. «ماه» نماد روشنایی، امید و استمرار زندگی است و «بلوط» یادآور استقامت، ریشه‌داری و ماندگاری. این دو عنصر، در کنار یکدیگر، استعاره‌ای از مردم کردستان‌اند؛ مردمانی که در سخت‌ترین شرایط، همچنان بر سرزمین خودایستاده‌اند. از این منظر، عنوان کتاب پیش از آنکه یک نام شاعرانه باشد، کلید ورود به جهان معنایی رمان است.

مؤمنی شریف در این اثر، به جای آنکه تاریخ را به صورت گزارشی بازگو کند، آن را در زندگی روزمره شخصیت‌ها جاری می‌کند. مخاطب، وقایع سیاسی و امنیتی را نه از زبان اسناد و گزارش‌ها، بلکه از خلال تجربه زیسته انسان‌هایی می‌بیند که ناگهان خود را در میانه تحولات بزرگ یافته‌اند. همین انتخاب شیوه روایی باعث می‌شود تاریخ از

به جای روایت فقدان، از زندگی سخن می‌گفت از انسانی که در اوج مسئولیت، هنوز فرصت می‌یابد عطر گل را احساس کند.

همین پیوند میان زمان، مکان و تصویر است که یک اثر هنری را ماندگار می‌کند. هنر، زمانی بیشترین تأثیر را دارد که بتواند خود را با احساسات واقعی جامعه گره بزند و روایتگر لحظه‌ای باشد که مردم آن را با همه وجود زندگی می‌کنند. حوزه هنری نیز با انتخاب این تصویر و تبدیل آن به یک هم‌نگاره شهری، نشان داد؛ هنر مردمی تنها خلق یک اثر زیبا نیست، بلکه ثبت و روایت احساسات مشترک یک ملت در بزرنگاه‌های تاریخی است. چنین آثاری، نه فقط برای امروز، بلکه برای سال‌های آینده نیز سندی از عواطف جمعی ایرانیان خواهند بود؛ سندی که به نسل‌های بعد خواهد گفت در روزهای وداع، این ملت چگونه اندوه خود را با هنر روایت کرد.

شاید به همین دلیل است که خلق آثار هنری مردمی، امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. شهر فقط با ساختمان و خیابان ساخته نمی‌شود؛ شهر را خاطره‌ها می‌سازند. دیوارهایی که هیچ نشانی از هویت یک ملت ندارند، تنها دیوارند؛ اما وقتی تصویری از یک خاطره مشترک بر آنها نقش می‌بندد به بخشی از حافظه شهر تبدیل می‌شوند.

این همان مسئولیتی است که نهادهای فرهنگی، به‌ویژه حوزه هنری، مدت‌هاست، با برگزاری رویدادهایی مانند «فتش میان میدان»، «دیوار نگاه‌ها» و... بر دوش گرفته‌اند؛ اینکه هنر را از سالن‌ها و گالری‌ها بیرون بیاورند و به میان مردم ببرند. هنر، زمانی زنده است که مردم هر روز از کنار آن عبور کنند، مکث کنند، درباره‌اش حرف بزنند و فرزندان‌شان از آن ببرند. اثر هنری وقتی به زندگی مردم راه پیدا کند، دیگر یک شیء فرهنگی نیست؛ بخشی از هویت اجتماعی است.

هم‌نگاره «وقت بوییدن گل» دقیقاً چنین نسبتی با مردم برقرار کرده است. این اثر نه برای مجموعه‌داران خلق شده و نه برای دیوار یک موزه؛ این خیابان است، برای رهگذری که شاید با شتاب از کنار سینما سپیده عبور می‌کند، اما ناگهان نگاهی روی آن قاب متوقف می‌شود. شاید برای چند ثانیه، شاید برای چند دقیقه، اما همان مکث کوتاه، آغاز یک گفت‌وگو با تاریخ است.

در شب رونمایی نیز مردم، تنها تماشاگر یک مراسم نبودند. اشک‌هایی که هنگام شعرخوانی احمد بابایی جاری شد، پرچم‌هایی که در دست جوانان می‌چرخید، نوای دمام که خیابان انقلاب را پر کرده بود و جمعیتی که تا بیرون از محوطه سینما سپیده ایستاده



بودند، همه نشان می‌داد؛ بعضی آثار، پیش از آنکه به دیوار شهر تعلق داشته باشند، به دل مردم تعلق دارند.

شاید زیباترین بخش این ماجرا، روایت خود عکاس باشد؛ مردی که سال‌ها پیش، تنها وظیفه حرفه‌ای‌اش را انجام داده بود و امروز با شگفتی می‌گوید نمی‌دانسته آن عکس قرار است روزی روی دیوار شهر نقش ببندد. این یعنی هنر، گاهی سال‌ها صبر می‌کند تا زمان مناسب فرا برسد.

ماییش از همیشه به چنین صبرهایی نیاز داریم؛ به هنری که به‌جای هیاهو، ماندگار باشد. به آثاری که تنها برای دیدم‌شدن خلق نشوند، بلکه برای به‌یادماندن. به تصویرهایی که بتوانند نسل‌های آینده را موزه؛ این اثر خیابان است، برای رهگذری که شاید با شتاب از کنار سینما سپیده عبور می‌کند، اما ناگهان نگاهی روی آن قاب متوقف می‌شود. شاید برای چند ثانیه، شاید برای چند دقیقه، اما همان مکث روزی خود این دیوار نیز به بخشی از تاریخ تهران تبدیل‌شود؛ جایی که رهگذران نه فقط تصویری از یک مرد، بلکه روایت مهرمبانی، سادگی و پیوند عمیق یک ملت با خاطره‌های مشترکش را به تماشا می‌ایستند. و چه زیباست که گاهی، تمام این روایت، از عطر چند شاخه گل محمدی آغاز می‌شود.

گزارش

مروری بر رویداد ملی «آقای شهید ایران»

از طنین حماسی ۷۰ نمایش میدانی تا سکوت عمیق پر فورنس‌ها

رویداد ملی تئاتر میدانی «آقای شهید ایران» صرفاً اتفاقی

هنری برای اجرای تئاتر نیست؛ بلکه روایتی نمایشی است در راستای پاسداشت رهبری که اندیشه، شجاعت، سیاست، درایت و هنرش به اعماق هویت فرهنگی یک ملت اشاره دارد؛ شخصیتی که بخشی از روح زمانه را شکل داده و در حافظه جمعی جاودانه شده است.

در میان برنامه‌های نهادهای فرهنگی و رویدادهای متعددی که به مناسبت تشییع رهبر شهید برگزار می‌شوند، دفتر تئاتر فراتهران مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب اسلامی تمرکز خود را بر برگزاری رویداد ملی تئاتر میدانی «آقای شهید ایران» گذاشته تا از هجدهم تا بیست‌وپنجم تیرماه ۱۷۰ اثر از ۲۲ استان کشور به صورت همزمان اجرا شوند. این آثار به شخصیت، مجاهدت‌ها، اندیشه‌ها و شهادت رهبر انقلاب اشاره دارند و برنامه‌ریزی‌ها به این صورت است که نمایش‌ها بعد از تشییع و شام غربیان رهبر شهید در میادین و اجتماعات شبانه که همچنان برقرار است، اجرا شوند تا آثار به شکل درست‌تری از سوی مخاطب دیده شود. دفتر تئاتر فراتهران مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب اسلامی در برنامه‌ریزی خود به نیاز مخاطب توجه داشته و سعی کرده علاوه بر شوری که در مداحی‌ها اتفاق می‌افتد، به فضایی که تفکر برانگیز هم باشد، توجه کند. در این راستا اجراهای نمایشی جریان دیگری به خود گرفته و هنرمندان با حضورشان وارد گفت‌وگو و نظام هنری دیگری شده‌اند تا به بیان اندیشه‌ها، تفکرات و حتی خواسته‌های مردم در این شب‌ها بپردازند.

۱۷۰ راه‌یافته به این رویداد دارای تنوع محتوایی است که از فضاهای نمایش آپینسی، نمایش‌های میدانی و خیابانی، پرفورمنس، نقالی، پرده‌خوانی، سوگ‌خوانی را در بر می‌گیرد و از طنین حماسی نمایش‌های میدانی که شکوه تاریخ را در فضای باز فراد می‌زنند تا سکوت عمیق پرفورمنس‌ها که سایه درونی شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارند. در این رویداد هنرمندان از دقت کلام در نقالی تا رازآلودگی آیین‌های پرده‌خوانی و سوگ استفاده می‌کنند تا با ۷۰ زبان متفاوت، ۲۲ استان، به معرفی رهبر شهید انقلاب بپردازند. خیلی از این آثار دارای ایده‌های قوی و برتری فکری هستند که آنها را متمایز و متفاوت با آنچه به طور معمول شاهد بوده‌ایم، می‌کند و این نشان از کیفیت داشتن آثاری است که به سرعت و در زمان خاصی تولید شدند.

همچنین از آنجا که زبان تئاتر و هنر نمایش زمانی می‌تواند تأثیرگذار باشد که برگرفته از دنیای تفکر مردم باشد و در مسیر فکری قرار بگیرد که مهراستا با اندیشه‌های مردم هم‌انرا شود، در ۷۰نمایش رویداد ملی تئاتر میدانی «آقای شهید ایران» جریان خواسته‌های مردم در این ایام در کنار اتفاقاتی که جامعه با آن دست و پنجه‌نرم می‌کند و خواستار آن است را شاهد هستیم، در این رویداد می‌بینیم که بیان حقیقت، تنها بازگویی وقایع گذشته نیست؛ بلکه تلاشی است برای شنیدن صدای عدالت‌خواهی انسان در پس لایه‌های فراوشی، تحریف و سکوت.

«آقای شهید ایران» با تئاترهای اثربخش نشان خواهد داد که گفتن از حقیقت به زسان هنر، نه صرفاً یک انتخاب زیبایی‌شناسانه، بلکه یک تعهد اخلاقی و فرهنگی است؛ بلکه تعهدی برای حفظ حافظه جمعی، پاسداشت کرامت انسان و پیوند دادن امروز با ریشه‌های اصیل دیروز.

تولیداتی که از ۱۸ تیرماه اجرایشان در قالب رویداد ملی «آقای شهید ایران» آغاز خواهد شد، از دل حوزه هنری مراکز استان‌ها شکل گرفته‌اند و به عبارتی هسته اصلی و مرکزی شکل‌گیری این رویداد در حوزه‌های هنری استان‌ها بوده است. همچنین ادامه کار از سوی هنرمندانی که در دوره اتفاقات مختلف با حوزه هنری استان‌ها ارتباط داشتند و در ایام جنگ رمضان اتفاق آفرینس بوده‌اند و با همراهی و هماهنگی کارشناسان واحد نمایش حوزه هنری استان‌ها پیش رفته است. با اعلام فراخوان این رویداد، آثار جمع‌آوری شده و بعد از بررسی به دفتر تئاتر فراتهران مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب اسلامی ارسال شده تا پس از جمع‌بندی، در میادین اجرا شوند. در این میان نقش معاونت راهبروی حوزه هنری انقلاب اسلامی و مرکز هنرهای نمایشی سوره در تسهیل این روند و جریان‌سازی برای خلق آثار هنری تأثیرگذار در استان‌ها بسیار حائز اهمیت است، چراکه در این فرایند تولید تئاتر در استان‌ها به صورت مستمر، چشمگیر و تأثیرگذار در میادین وجود داشته و اندیشه آفرینی کرده تا مسیر فکری را برای نگاه هنری به وقایع جامعه باز کند.

در خصوص تبلیغات و معرفی آیین آثار هم می‌توان به این نکته اشاره کرد که با توجه به اینکه همه آثار دارای پوستر تبلیغی هستند، نسبت به اجرای هر یک از تولیدات استانی در فضای مجازی و فضاهای رسمی اطلاع‌رسانی استان‌ها، آگاهی‌بخشی انجام شده است تا نمایش‌ها با بیشترین مخاطب به اجرا در آیند.

ضمن اینکه اجرای ۱۷۰ اثر هم به صورت رسمی اعلام شده، دفتر تئاتر فراتهران مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب اسلامی نیز در سایت‌ها، فضای مجازی مرتبط به حوزه هنری و مرکز هنری نمایشی سوره به صورت روزشمار جدولی در خصوص برنامه روزانه منتشر خواهد کرد.

از اتفاقات جالب این رویداد هم تقدیم روزانه اجراها به یکی از شهدای مظلوم ایام جنگ است؛ برای مثال در روز نخست از هشت‌روز برگزاری این رویداد، اجرای آثار نمایشی به شهید زهرا حداد عادل تقدیم خواهد شد.

عمق نگاه هنرمندان، پرداخت هنری به موضوعات کمتر پرداخته شده و رویکردی که در رویداد «آقای شهید ایران» شاهد هستیم، همه نویدبخش برگزاری برنامه‌ای است که محدود به اجرا در زمان خاص نمی‌شود و بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده می‌توان نتیجه گرفت که هدف وفادار به تاریخ، متعهد به حقیقت و پایبند به اصول داستان‌نویسی باشد. از همین رو، «ماه و بلوط» را باید نه فقط یک رمان موفق، بلکه تلاشی ارزشمند برای بازسازی حافظه فرهنگی و ملی ایرانیان دانست؛ حافظه‌ای که بدون شناخت همه اقوام و روایت‌هایش، کامل نخواهد شد.